



پیروندهی ویژه:

روز جشن هم‌بستگی جهانی کارگران!



## اول ماه می، کارگران علیه سرمایه‌داری!

### مقدمه

روز جشن هم‌بستگی جهانی کارگر، امسال ۱۲۱ ساله شد. در اول ماه می سال ۱۸۸۶، کارگران شیکاگو در صفوف به هم فشرده و هم‌پسته به خیابان آمدند، تا به اربابان سرمایه اعلام کنند خواهان «روز کار هشت ساعته» و «حق تشکل کارگری» هستند. نیروی انتظامی حافظ سرمایه، تظاهرات کارگران شیکاگو را به خاک و خون کشید و تعدادی از رهبران تظاهرات را دستگیر و زندانی و سپس اعدام کرد. در بیستم ژوئیه ۱۸۸۹، کنگره جهانی کارگران در پاریس تصویب کرد کارگران در روزی معین به خیابان‌ها بیایند و خواهان روز کار هشت ساعته شوند. از آن پس تاکنون، طبقه‌ی کارگر جهانی هر اول ماه می به خیابان‌ها می‌آیند، هم‌بستگی خود را جشن می‌گیرند، مطالبات طبقاتی خود را فریاد می‌زنند، و مبارزه‌ی پایان‌ناپذیر خود علیه سرمایه‌داری نشان می‌دهند.

\*\*\*

در ایران، بنا به گزارشات بسیاری از منابع خبری و کارگری، طی هفته‌ی پیش از اول ماه می، علاوه بر تهدید کارگران توسط کارفرمایان، محافل امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی نیز بسیاری از فعالین کارگری را از طریق تماس‌های تلفنی تهدید کرده بودند، که در صورت شرکت در هر گونه مراسم و تجمعی، بازداشت می‌شوند و پرونده‌های سابق آنان به جریان خواهد افتاد. حتا مراجع قضایی هم برای تعدادی از فعالین کارگری، احضاریه‌ای مبنی بر لزوم مراجعه به دادگاه در صبح روز اول ماه می فرستاده بودند. با وجود این تهدیدات و تدابیر شدید امنیتی - پلیسی، شهرهای کوچک و بزرگ ایران در روز اول ماه می ۸۹ شاهد حضور اعتراضی کارگران در میداين و مراکز اصلی

شهرها بود.

مراسم و راه‌پیمایی‌های اول ماه می امسال، در کشورهایی چون یونان و ترکیه، بسیار متفاوت از سال‌های گذشته بود.

مراسم اول ماه می ۲۰۱۰ در استانبول، با شرکت حدود ۳۰۰ هزار کارگر از بخش‌های مختلف و متشکل در تشکل‌های کارگری و نیروهای چپ و سوسیالیست برگزار شد. کارگران با فتح «میدان تقسیم»، پس از سی و سه سال، این روز را به یک جشن با شکوه تبدیل کردند. آن‌ها روی پلاکارت‌های خود نوشته بودند: «جنایت‌کاران، کودتای شما در دوازدهم سپتامبر نمی‌تواند ما را بترساند، ما بعد از سی و سه سال هم چنان ایستاده‌ایم». در سال ۱۹۷۷، نیروهای مسلح حکومت وقت ترکیه، مراسم اول ماه می در «میدان تقسیم» را به خون کشیده و سی و هفت تن از کارگران را کشتند. این تهاجم مسلحانه به کارگران، راه کودتاچیان را در دوازدهم سپتامبر ۱۹۸۰ هموار کرد. از آن پس، برگزاری مراسم اول ماه می در «میدان تقسیم» ممنوع گردید.

پیروزی عظیم کارگران ترکیه، در اول ماه می امسال، در شرایطی حاصل شد که پلیس ترکیه، با بیست و دو هزار نیروی انتظامی و ایجاد کیلومترها زرده و مانع، شهر استانبول و به ویژه «میدان تقسیم» را در محاصره گرفته بود.

در این روز، سامی اورین، رییس سندیکای خدمات عمومی ترکیه، در یک سخنرانی شورانگیز از مبارزان به خون خفته‌ی جنبش کارگری ترکیه یاد کرد و خواستار تحقیق درباره‌ی عوامل کشتار کارگران در اول ماه می ۱۹۷۷ و سایر موارد کشتار و ترورهای دولتی طی سال‌های گذشته گردید. سلیمان گله‌بی، رییس سندیکای دیسک، نیز در سخنرانی خود با اشاره به تاریخ «میدان تقسیم» پیشنهاد داد: «این میدان از این پس باید میدان اول ماه

### بهرام رحمانی

می نام‌گذاری شود؛ چرا که طبقه‌ی کارگر با همه‌ی ممنوعیت‌ها در اول ماه می، این میدان را هرگز فراموش نکرد!»؛ پیشنهادی که با کف زدن پر شور ده‌ها هزار زن و مرد کارگر مورد حمایت قرار گرفت.

اما در یونان، تظاهرات اول ماه می در متن بحران عمیق سرمایه‌داری از راه رسید. بحرانی که از اواخر سال ۲۰۰۸ در آمریکا، به اوج خود رسیده بود و پس از آن، اروپای قاره را فرا گرفت. سرمایه‌داری از یک سو با تزیق میلیاردها دلار به بانک‌ها، بازارهای بورس، شرکت‌ها و صنایع و غیره، و از سوی دیگر با بیکارسازی‌های گسترده‌ی کارگران، فشار کار بیش‌تر بر آن‌ها، منجمد کردن دست‌مزدها و... سعی کرد بر این بحران ساختاری غلبه کند. امری که در یونان به نتیجه نرسید و به رغم تمامی این تلاش‌ها، اقتصاد یونان را به زانو در آورد و لرزه بر تن سرمایه‌داری اروپای قاره انداخت.

اول ماه می در یونان، در متن این شرایط نابسامان، روز اعتراض طبقه‌ی کارگر علیه سیاست‌های سرمایه‌داری بود و دفاع از کار و معیشت کارگران بود.

اما اول ماه می ۸۹ در ایران در شرایط سیاسی ملتهبی که از تقریباً یک سال پیش جامعه را در خود فرو برده بود و فضای پلیسی - امنیتی ویژه‌ای برگزار شد. علاوه بر تهدیدات همیشگی فعالین کارگری و ایجاد فضای شدید امنیتی در مناطق مرکزی تهران و شهرهای دیگر، نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی - از نیروهای انتظامی و یگان‌های ویژه گرفته تا لباس شخصی‌ها و نیروهای بسیجی - در سطح وسیعی به خیابان‌ها آمده بودند. در تهران، این نیروها در کلیه‌ی مناطق و خیابان‌هایی که به وزارت کار منتهی می‌شد و از قبل برای تجمع و راه‌پیمایی اعلام شده بود، و هم چنین در اطراف دانش‌گاه تهران





هزار تومان ، ۱۸۳ هزار تومان، ۲۱۶ هزار تومان و در سال ۸۸ معادل ۲۶۳ هزار تومان تعیین شده بود.

رشد ده درصدی جمعیت کارگران قراردادی در سال ۸۸ نیز جمعیت هفتاد درصدی کارگران قراردادی، که فاقد امکانات و تضمینات لازم برای بیمه‌های بیکاری و بهداشتی و... هستند، را به هشتاد درصد کل کارگران افزایش داده بود.

پدیده‌ی بیکاری، یک تهدید جدی علیه کل طبقه‌ی کارگر در سال ۸۸ بود. این پدیده نه تنها کارگران اخراجی و بیکار شده را از درآمد و در نتیجه از زندگی ساقط می‌کند، بلکه کارگران شاغل را هم به تمکین در مقابل فشار کار و سایر تضییقاتی که از سوی کارفرما اجرا می‌شود، وادار می‌کند؛ چرا که در غیر این صورت، کارفرما می‌تواند جای کارگران شاغل معترض و حرف‌گوش‌نکن را با ارتش ذخیره‌ی کار پر نماید.

آن چه در زیر می‌آید، فقط نمونه‌هایی از وسعت پدیده‌ی بیکاری در ایران را نشان می‌دهند:

- محمد پارسا، رییس هیات مدیره سندیکای صنعت برق، در زمستان ۸۸ به «خبرگزاری ایلنا» گفت: به دلیل بدهی پنج میلیارد دلاری دولت به اعضای سندیکای تولیدکنندگان برق، «رقم بدهی‌های دولت به ما آن قدر سنگین شده، که در صورت عدم چاره‌جویی، واحدهای تولیدکننده مجبور به تعطیلی خواهند بود و بیش از ۹۰۰ هزار نیروی کار که مستقیم و غیرمستقیم در این صنعت مشغول به کار هستند، در معرض بیکاری قرار دارند.»

- رستم قاسمی، فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه پاسداران و مجری برخی فازهای پارس جنوبی، در اوایل پاییز در مصاحبه‌ای با «خبرگزاری مهر»، از بیکار شدن دست‌کم شش هزار کارگر در این میدان‌گازی خبر داد.

- عیسی محمدکمالی، دبیر اجرایی خانه‌ی کارگر بوشهر، نیز در دی ماه سال ۸۸ به «خبرگزاری ایلنا» گفت: در چهار سال اخیر در عسلویه، شمار کارگران و دیگر شاغلان از شصت هزار نفر به هشت هزار نفر کاهش یافته است.

در سال ۸۸، دست‌کم نود تن از فعالین کارگری در شهرهای مختلف دستگیر و زندانی شدند. در برخورد خشن گسترده با کارگران در جریان برگزاری تجمع روز جهانی کارگر در پارک لاله‌ی تهران، در سال ۸۸، دست‌کم ۱۵۰ نفر از سوی نیروهای

موضع طبقاتی کارگران در قبال وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جاری را انعکاس می‌داد. و دوم این که، در این روز، کارگران به اجتماع در مقابل وزارت کار رژیم سرمایه، یعنی ستاد سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری علیه طبقه‌ی کارگر، فراخوانده شده بودند.

اجازه بدهید با این مقدمه، نخست اوضاع اقتصادی و سیاسی ایران را در مقطع اول ماه می امسال مورد بررسی قرار دهیم و سپس به مراسم اول ماه می کارگران و قطع‌نامه‌های آن‌ها نظری بیاندازیم.

### موقعیت اقتصادی و سیاسی

کارگران ایران در شرایطی به استقبال روز جهانی خود رفتند، که بحران سیاسی سراسر ایران را فرا گرفته و بحران اقتصادی به طور روزافزونی، تأثیرات شکننده‌ی خود را بر طبقه‌ی کارگر نشان می‌دهد.

فقر و گرسنگی و بیکاری و هم‌چنین آسیب‌های اجتماعی ناشی از این وضعیت، دمار از روزگار طبقه‌ی کارگر در آورده است. «کارگرفت تپه‌ایم؛ گرسنه‌ایم، گرسنه»، نه تنها شعار کارگران هفت تپه‌ی شوش، بلکه شعار و حال روز واقعی اکثریت عظیم طبقه‌ی کارگر در ایران است. کافی است به خط فقر تعیین شده توسط بسیاری از کارشناسان اقتصادی، ۹۰۰ هزار تومان در ماه، و درآمد متوسط کارگران در ماه، ۳۰۳ هزار تومان، توجه کنیم، تا عمق و گستردگی فاجعه‌ی زندگی طبقه‌ی کارگر ملموس‌تر شود.

حداقل حقوق کارگران در سال ۸۳ معادل ۱۰۶ هزار تومان، در سال ۸۴ معادل ۱۲۶ هزار و در سال‌های ۸۵ تا ۸۷ به ترتیب ۱۵۰

و خیابان‌ها و میادین اصلی در مرکز تهران، مستقر شده بودند.

از سوی دیگر، روزهای قبل از اول ماه می، همه‌ی مرتجعین حکومتی تا اپوزیسیون یک باره کارگردوست شده‌ی آن، از خامنه‌ای و احمدی‌نژاد گرفته تا میرحسین موسوی و کروبی و حتا رضا پهلوی و دیگران، به یاد کارگر افتاده روز جهانی کارگر را تبریک گفتند. گذشته از ریاکاری سران رژیم اسلامی سرمایه و اپوزیسیون بورژوازی آن، نفس یادآوری و تبریک روز کارگر به کارگران، خود نشانه‌ی وزنه‌ی سنگین طبقه‌ی کارگر در تحولات سیاسی و تلاش آن‌ها برای نفوذ در بین کارگران است.

به این ترتیب، هم‌زمان با برگزاری مراسم اول ماه می در سراسر جهان، در ایران نیز هزاران تن از کارگران و مردم محروم و آزادی‌خواه به مناسبت گرامی‌داشت اول ماه می به خیابان‌ها آمدند و با طرح مطالبات خود، در عین حال هم‌بستگی طبقاتی خویش را با طبقه‌ی کارگر در سراسر جهان اعلام کردند.

شایان ذکر است، که در این بحث قصد اصلی آن نیست که چگونگی برگزاری مراسم اول ماه می ۸۹ در ایران را مورد بررسی و جمع‌بندی قرار دهیم، بلکه هدف نشان دادن چگونگی حضور و دخالت کارگران در این روز است. نخست به طور مختصر اوضاع اقتصادی و سیاسی ایران را در مقطع اول ماه می مورد بررسی قرار می‌دهیم، تا در بطن آن بتوانیم موقعیت واقعی طبقه‌ی کارگر و جایگاه اول ماه می امسال را نشان دهیم.

روز جهانی کارگر امسال، نسبت به سال‌های گذشته، از دو منظر قابل توجه بود: نخست سراسری بودن فراخوان و قطع‌نامه‌ی، که

انتظامی و امنیتی بازداشت شدند. تعطیلی واحدهای تولیدی کوچک و بزرگ، گسترش اعتصابات و تجمعات کارگری، موج گسترده‌ی اخراج‌ها و نرخ بیکاری، در حالی رو افزایش است که محمود احمدی‌نژاد در یکی از گفت‌وگوی تلویزیونی ادعا کرده است: با اجرای طرح بنگاه‌های زود بازده، نرخ بیکاری سه درصد کاهش یافته و با ادامه‌ی این روند، در سه چهار سال آینده، نرخ بیکاری در کشور به پنج درصد می‌رسد.

حسن صادقی، معاون استان‌های خانه‌ی کارگر جمهوری اسلامی، اما بر خلاف احمدی‌نژاد اعلام کرد: اخراج کارگران فقط در استان تهران در تعطیلات نوروز امسال نسبت به سال ۸۷، رشد چهل و نه درصدی داشته است. او گفت: اگر بخواهد این آمار را به کل کشور تعمیم دهد، بیش از پنجاه درصد خواهد شد. وی در همین حال به کارگران اخراجی اشاره کرد، که به اداره‌ی کار مراجعه نمی‌کنند و مشکلات پس از اخراج خود را به صورت توافقی حل می‌کنند و افزود: «اگر این مورد را هم در نظر بگیریم، تعداد اخراج‌ها از رشد هفتاد درصدی برخوردار بوده است.» این مسئول خانه‌ی کارگر، با ابراز نگرانی نسبت به وضعیت صنعت کشور و با انتقاد از سیاست اقتصادی دولت گفت: «سیاست‌های اقتصادی دولت و اجرای لایحه‌ی هدف‌مند کردن یارانه‌ها، ریسک سرمایه‌گذاری در بخش صنعت را بالا برده است.»

- دو ماه مانده به پایان سال ۸۸، در اثر همین سیاست‌های اقتصادی دولت در بخش صنعت تولید برق، دست‌کم ۱۵۰۰ نفر از کارگران این بخش اخراج شدند.

- در تاریخ دهم اردیبهشت ۸۹، اعلام شد کارخانه‌ی سبلان، بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی پارچه در ایران که پیش از این حدود ۱۵۰۰ کارگر شاغل را پوشش می‌داد، به طور رسمی تعطیل گردید. یک سال پیش، نیمی از کارگران این کارخانه به دلیل عدم توانایی پرداخت حقوق اخراج شده بودند و از شش ماه قبل، کارگران باقی مانده بدون دریافت دست‌مزد به کار مشغول بودند، تا این که چند هفته پیش به طور رسمی کارخانه تعطیل و همه‌ی کارگران بیکار شدند؛ بدون آن که حق و حقوق چند ماهه‌شان را بگیرند.

و این در حالی است، که دولت سال ۸۹ را سال هدف‌مند کردن یارانه‌ها نامیده و معتقد است با اجرای این طرح، وضعیت اقتصادی کشور بهبود پیدا خواهد کرد. اما منتقدان

اقتصادی، و به ویژه کارگران، معتقدند هدف‌مند کردن یارانه‌ها سرآغاز وخامت وضع اقتصادی کشور و به دنبال آن افزایش بیکاری است.

اشتغال در هر کشوری به تبع تولید حاصل می‌شود و تولید هم حاصل سیاست‌ها و تدابیر و برنامه‌ریزی‌های بخش دولتی و خصوصی است. بررسی سیاست‌های اقتصادی اتخاذ شده از سوی دولت از سال ۱۳۸۴ به این سو، نشان می‌دهد هر قدر از سال ۱۳۸۴ به سال ۱۳۸۹ نزدیک‌تر می‌شویم، تأمین کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی مورد نیاز از «تولید داخلی» به سوی «تجارت خارجی» تغییر مسیر می‌یابد. یعنی چرخه‌ی تولید داخلی به شکل جدی لطمه دیده و دچار افت و رکود شده است. در واقع، با واردات کالا، بخشی از کارخانه‌های داخلی به دلیل ورشکستگی و عدم سوددهی، و یا برای سودآوری سریع‌تر و سهل‌تر سرمایه‌داران، تعطیل و یا به حالت نیمه تعطیل در آمده‌اند و کارگران آن‌ها نیز به صف میلیونی بیکاران پیوسته‌اند.

علی‌رضا محجوب، نماینده‌ی مجلس و دبیرکل خانه‌ی کارگر، که قبل از تصویب طرح هدف‌مند شدن یارانه‌ها به دولت در خصوص وخیم‌تر شدن وضعیت معیشتی کارگران هشدار داده بود، می‌گوید: «افزایش هفتاد درصدی اخراج کارگران در نیمه‌ی اول سال ۸۹، به دلیل ناتوانی کارفرمایان از پرداخت حقوق به کارگران به خاطر ترس از اجرای طرح هدف‌مند شدن یارانه‌ها است.» وی خبر اخراج ۲۰۰ هزار کارگر در سال گذشته را تأیید کرده و می‌افزاید: «اجرای طرح هدف‌مند کردن یارانه‌ها، رکود را تشدید و وضعیت معیشتی کارگران را بدتر خواهد کرد.» به گفته‌ی محجوب: «هر سال به دلیل مشکلات اقتصادی به طور متوسط پانصد واحد تولیدی بزرگ و متوسط دچار مشکل و بحران می‌شوند. در حال حاضر، بحران مالی داشتن دو هزار واحد مسجل است که تعداد کارگران آن ۲۰۰ هزار نفر می‌شوند. به عبارتی، به طور متوسط سالانه ۲۰۰ هزار کارگر بیکار می‌شوند و یا با مشکلات صنفی ناشی از مشکلات مالی واحدها درگیر هستند.»

قدرت‌الله علیخانی، نماینده‌ی عضو فراکسیون اقلیت مجلس، نیز در گفت‌وگو با «پارلمان نیوز»، می‌گوید: «مشکلات عجیب و غریبی در بخش کارگری داریم و متأسفانه ما این قشر عظیمی را که چرخ صنعت کشور را به

گردش در می‌آورند، نادیده گرفته‌ایم. وقتی حقوق هشت ماه‌شان داده نمی‌شود، حتماً به فکر این نیستیم که خانواده‌های این‌ها چگونه زندگی می‌کنند. دولت ککش هم برای کارگران نمی‌گذرد. با این روندی که در پیش است، آینده بسیار تاریکی را برای صنعت پیش‌بینی می‌کنم، مخصوصاً برای کارگران. حال دولت چگونه جواب کارگران محروم را خواهد داد، نمی‌دانم.» وی ادامه می‌دهد: «وقتی صنعت در کشور زیر چهل درصد کار کند، وضعیت بهتر از این نمی‌شود.»

مشکلات اقتصاد سرمایه‌داری ایران، که گفته‌ها و نمونه‌های بالا مویذ آن است، به پایین بودن دست‌مزدها، عدم پرداخت همین دست‌مزدهای ناچیز برای ماه‌ها، بیکارسازی‌های وسیع، نبود ایمنی کار در محل‌های کار و حوادث بسیار ناشی از آن، عدم امنیت شغلی، کار ارزان کودکان، تبعیض بین کارگر زن و مرد، فقدان بیمه‌های بیکاری و بهداشتی، و فقر و نداری روزافزون خانواده‌های کارگر در ایران انجامیده است. هم‌چنین عامل خفقان و سرکوب جمهوری اسلامی، طبقه‌ی کارگر را از داشتن تشکلهای توده‌ای و مستقل خود محروم کرده است. در حالی که قدرت طبقه‌ی کارگر در تشکل و مبارزه‌ی متحد، سراسری و آگاهانه‌ی طبقه علیه ستم و استثمار سرمایه‌داری است. بدون وجود تشکل سراسری و مبارزه‌ی متحد و آگاهانه، طبقه‌ی کارگر نمی‌تواند از کار و معیشت خود در مقابل تعرض سرمایه‌داران دفاع کرده و خواسته‌های برحق خود را به آن‌ها تحمیل نماید. این مشکل، به نوبه‌ی خود، وضعیت نابسامان طبقه‌ی کارگر را نشان می‌دهد.

در گزارشات و تحقیقات کارگری، همواره بر وخامت وضعیت کارگران تأکید می‌شود. در این میان، اما وضعیت کارگران زن نسبت به کارگران مرد بسیار وخیم‌تر است. برای مثال، بخش بیماری‌های پوستی دانش‌گاه شهید صدوقی در یزد، گزارشی را منتشر کرده، که نشان می‌دهد: ۹۲ درصد کلیم‌بافان و قالی‌بافان، زن هستند. نیمی از این کارگران زن، دختران جوان و نوجوان زیر شانزده ساله هستند، که بین دوازده تا شانزده ساعت کار می‌کنند. پس از تحقیقات آسیب‌شناسی، بیش از ده نوع بیماری‌های پوستی، عضلانی و استخوانی در میان زنان کارگر شناسایی شده است. عکس‌برداری‌های داخلی از استخوان انگشت‌ها نشان می‌دهد، که در

برخی موارد استخوان انگشت بافندگان تغییر شکل داده‌اند. در پژوهش دیگری که از ۲۸۳ کارگاه قالی بافی در اصفهان انجام شده است، موارد زیر شناسایی شده‌اند: بیماری‌های تنفسی، سردرد شدید، ناراحتی‌های چشمی، امراض پوستی و به خصوص ناراحتی‌های عصبی و روانی در میان زنان کارگر همه‌گیر است. این مشکلات در بین کارگران زن در حالی وجود دارد، که آن‌ها بسیار کم‌تر از کارگران مرد دست‌مزد می‌گیرند؛ در صف مقدم بیکارسازی‌ها قرار دارند؛ مورد اجحاف بیش‌تر هستند و پدیده‌ی زن‌آزاری در محیط کار را نیز تجربه می‌کنند، گاه بدون آن که از طرف هم‌کاران مرد خود مورد حمایت جدی قرار بگیرند.

طبق کنوانسیون ۱۱۱ سازمان جهانی کار، آزار و اذیت جنسی و اعمال خشونت در محیط‌های کار، جزء شرایط «غیرایمنی کار» طبقه‌بندی شده است. در گزارش شراره کاکاوند، روزنامه‌ی «ایران»، شماره‌ی ۲۲۰۶، در این باره می‌خوانیم: «زنان به خاطر فشار مالی یا مجبورند به درخواست برخی از کارفرمایان تن در دهند یا فشار مالی را با تمام عوارض روحی و روانی‌اش تحمل کنند. برای نمونه، شصت و هشت درصد از آگهی دهندگان (کارفرمایان) خواهان کار نامشروع با متقاضیان زن هستند.»

در چنین وضعیتی، بیکارسازی‌ها، ضربات مهلک و جبران‌ناپذیری به خانواده‌های کارگری، به خصوص به خانواده‌هایی که سرپرستی آنان با زنان است، می‌زند. بر بستر رشد روزافزون تضادهای اقتصادی و اجتماعی، ابعاد وسیع بحران سیاسی، تعمیق شکاف‌های درون حاکمیت و تشدید نارضایتی توده‌ی کارگران و مردم محروم، زمینه‌های بروز اعتراضات مردمی بزرگ‌تر و گسترده‌تر بیش از پیش فراهم شده است. در چنین شرایطی، هر تجمع اعتراضی کوچک و بزرگ به یک حرکت سیاسی مهم تبدیل می‌گردد و جامعه را در شرایط انفجاری قرار می‌دهد. این اوضاع، جمهوری اسلامی سرمایه و جناح‌های آن را چنان به وحشت انداخته است، که تمام توان و نیروی سرکوب خود

را برای جلوگیری از اعتصاب و تجمعات اعتراضی و برای سرکوب آن‌ها، به میدان آورده است. جمهوری اسلامی، در شرایط موجود آن‌چنان در ترس و هراس دائمی و روزافزون به سر می‌برد، که حتا از برگزاری برخی مراسم رسمی و دولتی که خود حدود سه دهه مردم را برای شرکت در آن‌ها به خیابان‌ها می‌آورد و می‌کوشید از حضور اجتماعی آنان به نفع سیاست‌های ارتجاعی و غیرانسانی خود سود برد نیز دست کشیده است؛ زیرا می‌ترسد کنترل این گونه مراسم - به علت حضور کارگران معترض - از دست‌اش خارج شده و به ضد خود تبدیل گردد. برای مثال، مراسم دولتی اول ماه می خانه‌ی کارگر، در سال‌های قبل، محملی بود که کارگران پیشرو و رادیکال در آن‌ها شرکت

مسابقه‌ی قرائت قرآن و غیره، کشاندند. البته از خانه‌ی کارگر جمهوری اسلامی، که یک تشکل پلیسی - جاسوسی دست‌ساخته‌ی دولت در دوران طبقه‌ی کارگر ایران است، انتظار دیگری جز این نیست که کارگران را مرعوب کند، فریب دهد، تا به سیاست‌های ضد کارگری جمهوری اسلامی جلب نماید. این نهاد ضد کارگری، با انتقادات سطحی به پاره‌ای از سیاست‌های ضد غلط دولت، تلاش می‌کند ظاهراً خود را منتقد دولت و طرف‌دار کارگر نشان دهد، اما به رغم تمامی امکانات و تلاش‌های خود، در این سی و یک سال، فقط توانسته است توجه اندکی از کارگران شدیداً مذهبی و طرف‌دار جمهوری اسلامی را آن‌هم با اعطای رشوه و امتیاز به سیاست‌ها و برنامه‌های خود جلب کند.

آن چه که تا کنون شرح داده شد، تنها گوشه‌هایی از موقعیت طبقه‌ی کارگر در متن سیاست‌ها و تعرضات سرمایه‌داران علیه آن، در دوره‌ی جاری، است. روشن است که در چنین شرایطی، هر گونه حق‌خواهی، هر نوع اعتراض و مبارزه، هر مطالبه و خواست انسانی، و هر نوع تلاش برای ساختن تشکل‌های کارگران، که به امر اتحاد و تشکل‌یابی توده‌ی کارگر بپردازد، با خشونت و



سرکوب بی‌رحمانه‌ی جمهوری اسلامی مواجه می‌شود.

### فراخوان روز جهانی کارگر

«شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر»، مرکب از تعدادی از تشکل‌ها و نهادهای کارگری موجود، در اولین بیانیه‌ی خود به مناسبت اول ماه می امسال، ضمن دعوت از عموم مردم و کارگران برای حضور در مراسم روز جهانی کارگر، چنین روزی را «روز آزادی‌خواهانه با مطالبات اقتصادی و سیاسی همه‌ی مردم و کارگران» خواند.

در دومین بیانیه، این شورا ضمن دعوت کارگران به حضور هر چه گسترده‌تر در تجمعات و راه‌پیمایی‌های این روز، مطالبات هشت گانه‌ای را نیز به عنوان خواسته‌های

کرده و مراسم دولتی را از دست گردانندگان آن به در آورده و علیه دولت و سیاست‌ها و نهادهای ضد کارگری آن شعار می‌دادند.

به همین دلیل، در اول ماه می امسال، جمهوری اسلامی حتا به خانه‌ی کارگر هم اجازه نداد مراسم خود را هم چون سال‌های گذشته برگزار کند. در نتیجه، مراسم دولتی اول ماه می به تجمعات محدودی در محیط‌های در بسته و کنترل شده برگزار گردید.

گردانندگان خانه‌ی کارگر جمهوری اسلامی، به تبعیت از فرمایشات رهبرشان، علی خامنه‌ای، که سال ۸۹ را سال مضاعف نامیده است، در مراسمی تحت عنوان برگزاری «هفته‌ی کارگر»، کارگران را به «کار مضاعف» تشویق کردند و جمعی از کارگران را نیز یک روز به تجدید میثاق با خمینی، روز دیگر به بیعت با خامنه‌ای، و شرکت در نماز جمعه و

اولیه و حداقلی خود مطرح کرد. در این بیانیه، تحت عنوان «روز جهانی کارگر، حلقه‌ی مفقوده‌ی مبارزات»، با تشریح گوشه‌هایی از وضعیت موجود، آمده است: «تنها ضامن ایجاد و تثبیت دموکراسی و آزادی، قدرت و عرض اندام تشکل‌های مستقل در اصناف و اقشار مختلف است، قدرتی سراسری، متحدانه و سیلاب‌وار که هر گونه دست‌اندازی و تجاوز به مطالبات مردمی را پاسخی در خور دهد.»

### مراسم اول ماه می

هم‌زمان با تجمعات اعتراضی کارگران در تهران به مناسبت اول ماه می، هزاران کارگر در شهرهای دیگر، از جمله در تبریز، شیراز، اصفهان، اهواز، قزوین، سقز، سنندج، سقز و...، تجمع و جشن هم‌بستگی جهانی خود را در اعتراض به تعرضات ضد کارگری جمهوری اسلامی سرمایه‌برگزار کردند. تجمعات اعتراضی کارگران به مناسبت اول ماه می امسال بسیار متنوع بود و دست‌اندرکاران آن‌ها، نسبت به امکانات و فضای سیاسی، ابتکارات مختلفی به خرج داده بودند. در اول ماه می امسال، اتحاد عمل تشکل‌ها و نهادهای موجود کارگری و تشکیل شورای هماهنگی آن‌ها در فراخوان به برگزاری سراسری روز جهانی کارگر، گامی به پیش بود، که مورد توجه بخشی از کارگران و فعالین جنبش کارگری قرار گرفت. به علاوه، امسال نیز مانند سال‌های گذشته، بخشی از فعالین زنان و دانش‌جویی در روز جهانی کارگر حضور داشتند و هم‌بستگی و پیوستگی خود با طبقه‌ی کارگر را به نمایش گذاشتند. فراخوان «شورای برگزارکننده‌ی مراسم اول ماه می» در تعیین مکان مشخصی برای تجمع در تهران و شهرستان‌ها، یعنی در مقابل ساختمان وزارت کار - به ویژه با توجه به آن که این وزارت‌خانه، ستاد سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های ضد کارگری سرمایه‌داری علیه طبقه‌ی کارگر است - اقدامی سنجیده در اوضاع کنونی جامعه بود، که نه تنها مراسم اول ماه می را این بار به مرکز جامعه می‌آورد، بلکه آن را درست در مقابل ستاد دشمن طبقاتی خود برگزار می‌کرد. فراخوان این شورا در برخی از شهرها، به ویژه شهرهای کردستان و به خصوص در سنندج که سنت و تجارب ارزنده‌ای در برگزاری مراسم اول ماه می دارد، مورد استقبال از کارگران قرار گرفت.

مراسم اول ماه می امسال، همان طور که قبلاً هم گفته شد، در شرایط به شدت ملتهب جامعه و در حضور انبوهی از نیروهای انتظامی و لباس شخصی‌های وحشی و جنایت‌کار جمهوری اسلامی برگزار می‌شد. با این همه، کارگران، خانواده‌های کارگری و مردم آزادی‌خواه مرعوب این فضای پلیسی و محنت‌ناشدند و روز جشن هم‌بستگی جهانی خود را در اعتراض به سرمایه‌داری برگزار کردند.

تهران: علاوه بر تمرکز کارگران و دانش‌جویان در خیابان آزادی (اطراف میدان انقلاب)، حضور آن‌ها در خیابان شانزده آذر و دیگر خیابان‌های فرعی، که به خیابان آزادی منتهی می‌شوند، نیز چشم‌گیر بود.

پیش از ظهر نیروهای موتورسوار جمهوری اسلامی برای تشدید جو رعب و وحشت و جلوگیری از تجمع کارگران، دانش‌جویان و مردم آزادی‌خواه، از غرب به شرق و بالعکس در خیابان آزادی و خیابان دانش‌گاه و شانزده آذر در حال گشت‌زنی بودند. سرانجام ساعت پنج بعد از ظهر، کارگران و دانش‌جویان در پاسخ به فراخوان ده تشکل و نهاد کارگری در حالی به جلوی وزارت کار آمدند، که ساختمان آن توسط انبوهی از نیروهای انتظامی محافظت می‌شد. نیروهای حافظ سرمایه به تجمع معترضان حمله‌ور شدند. تا ساعتی، تجمع اعتراضی کارگران با جنگ و گریز با نیروهای انتظامی و لباس شخصی‌ها در خیابان آزادی و خیابان‌های اطراف ادامه داشت.

سیاست نیروهای سرکوب‌گر آن بود، که با استقرار در سر چهارراه‌ها و تقاطع‌ها و با ایجاد رعب و وحشت، از ورود کارگران به محل تجمع ممانعت کنند. اما کارگران و مردم آزادی‌خواه نیز در گروه‌های چند صد نفره و یا کم‌تر به تظاهرات موضعی و پراکنده دست می‌زدند و می‌کوشیدند راه خود به طرف محل تجمع را باز کنند.

در آستانه‌ی شروع مراسم روز کارگر در مقابل وزارت کار، پرواز هلیکوپترهای نیروی انتظامی بر فراز خیابان آزادی نیز قابل توجه بود. این اقدام نقشه‌مند نیروی انتظامی، نه فقط برای کنترل تظاهرات و شناسایی شرکت‌کنندگان در آن، بلکه به منظور اخلاص و برهم زدن نظم شعارهای تظاهرکنندگان و خفه کردن صدای آن‌ها، به وسیله‌ی صدای موتور هلیکوپترها، نیز بود.

کارگران با حمل پلاکاردهایی که بر روی آن‌ها مطالبات خود را نوشته بودند، نسبت به اخراج‌ها و بی‌کارسازی‌ها، قراردادهای موقت و سفید امضا، عدم پرداخت به موقع دست‌مزدها، عدم امنیت شغلی و دیگر و... دست به اعتراض زده بودند. ده‌ها تن از کارگران معترض در این روز، جلوی وزارت کار، در اثر حمله‌ی ماموران جمهوری اسلامی مجروح و بازداشت شدند.

اتوبوس‌های تندرو شرکت واحد (بی.آر.تی) و برخی تاکسی‌های تهران در روز اول ماه می دست از کار کشیدند. جمعی از زندانیان سیاسی در زندان‌های اوین، رجایی شهر و ارومیه نیز در حمایت از کارگران، مبارزات آنان، و گرمی‌داشت روز جهانی کارگر، دست به اعتصاب غذا زدند.

سه دستگاه اتوبوس مملو از کارگران و مردم آزادی‌خواه، که از شهرهای کرج، اسلام‌شهر و رباط کریم و شهریار برای شرکت در مراسم اول ماه می به تهران می‌آمدند، توسط نیروهای انتظامی در میدان آزادی متوقف شدند. کارگران با در دست داشتن عکس‌های زندانیان کارگر از جمله منصور اسانلو و ابراهیم مددی و علی نجاتی و فرزاد کمانگر (معلم زندانی جان‌باخته)، که از شیشه‌های اتوبوس به بیرون آورده بودند، شعار «زندانی کارگر آزاد باید گردد»، «کارگر کارگر اتحاد اتحاد» سر می‌دادند، که توجه مردم بسیاری را جلب کرده بود. در نهایت، پلیس ضدشورش جمهوری اسلامی، رانندگان و سرنشینان اتوبوس‌ها را با تهدید ضرب و شتم و دستگیری مجبور به بازگشت کرد. اتوبوس‌ها، پس از مدتی که به اعتراض و تظاهرات گذشت، از میدان آزادی در ضلع شرقی دور زدند و به طرف جاده‌ی مخصوص کرج حرکت کردند.

جمعی از مردم معترض هم، که در حدود ۵۰۰ نفر تخمین زده می‌شدند، در میدان توپخانه با شعار مرگ بر خامنه‌ای، به شدت با سرکوب‌گران بسیجی و انتظامی درگیر شدند. و حدود سی و شش تن از آن‌ها زخم‌های سطحی و شدید برداشتند.

تجمع کارگران در روز جهانی کارگر، در خیابان نواب هم به خشونت کشیده شد. در خیابان نواب، تجمع آرام کارگران چندین کارخانه، که تعداد آن‌ها چشم‌گیر بود، با دخالت نیروهای امنیتی به خصوص لباس شخصی‌ها به درگیری کشیده شد. در این میان، تعدادی از کارگران مجروح شدند که



حال یکی از آنان وخیم گزارش شده است. بلندگوهای خودروهای امنیتی ضدشورش، که تاکنون در اعتراضات خیابانی گذشته دیده نشده بودند، مشغول تذکر به جمعیت کارگری برای ترک خیابان نواب بودند و به تعداد نیروهای امنیتی در خیابان هر لحظه افزوده می‌شد.

هم‌چنین تعدادی از کارگران و مردم آزادی‌خواه در خیابان «جیحون»، اقدام به سر دادن شعارهایی از جمله «مرگ بر دیکتاتور» نمودند، که با یورش وحشیانه‌ی گارد ویژه مواجه شدند.

یک جمعیت چهار هزار نفره نیز در خیابان انقلاب، از سمت خیابان فردوسی به سمت خیابان «مصدق»، راه‌پیمایی کرده و شعار «دانش‌جو، کارگر، اتحاد اتحاد» سر دادند.

در این روز، تعدادی از کارگران عسلیویه هم در مقابل وزارت کار حضور یافتند. هم‌چنین ۴۰۰ کارگر بازنشسته‌ی شرکت واگن پارس در این روز به عدم تحقق وعده‌های کارگزاران جمهوری اسلامی، مبنی بر پرداخت مطالبات معوقه‌ی خود، اعتراض کردند. این کارگران بازنشسته هشدار دادند، که صبر و تحمل آنان و خانواده‌هاشان به پایان رسیده است و در صورت عدم پرداخت مطالبات‌شان در مقابل مجلس اسلامی دست به تحصن نامحدود خواهند زد.

اهواز: جمعی از کارگران لوله‌سازی اهواز در مقابل اداره‌ی کار، در حالی که پلاکارد «از گرسنگی می‌میریم، ذلت نمی‌پذیریم» را در دست داشتند، تجمع کردند. در مقابل استانداری شهر، در وحشت از اعتراض امروز کارگران، نزدیک به ده خودروی انتظامی مملو از ماموران مسلح مستقر بودند.

سندج: سندج نیز روز اول ماه می، طبق روال سال‌های اخیر، شاهد برگزاری مراسم روز جهانی کارگر بود. تجمع کارگران در این روز با یورش نیروهای امنیتی و انتظامی نیمه تمام ماند و بسیاری از شرکت‌کنندگان در تجمع به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

طیب مولایی، فعال کارگری و شرکت‌کننده در این مراسم، به «رادپو فردا» گفته است: «نیروهای لباس شخصی و ماموران نیروی انتظامی، با ضرب و شتم، ده‌ها شرکت‌کننده در تجمع روز جهانی کارگر، این مراسم را بر هم زدند.» وی گفت، که خود شاهد ضرب و شتم دو تن از زنان شرکت‌کننده توسط لباس

کننده ادامه پیدا کرد و در نهایت با قرائت قطع‌نامه‌ی اول ماه می تشکیل‌های کارگری به پایان رسید.

مهاباد: در مهاباد نیز در روز جمعه دهم اردیبهشت، مراسمی در اطراف شهر به مناسبت روز جهانی کارگر توسط جمعی از فعالین کارگری و اعضای «کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری» برگزار گردید. در این مراسم، درباره‌ی تاریخچه‌ی روز جهانی کارگر صحبت شد، شعر خوانده شد، و در پایان قطع‌نامه‌ی سراسری تشکل‌های کارگری به اطلاع شرکت‌کنندگان در مراسم رسید و مورد تأیید آن‌ها قرار گرفت.

کرمانشاه: روز جهانی کارگر در کرمانشاه، به درگیری‌های پراکنده در سطح شهر بین کارگران و نیروهای دولتی، منجر شد.

اصفهان: کارگران معترض اصفهان، بعد از ظهر دهم اردیبهشت، با تجمع در میدان انقلاب، ضمن گرامی‌داشت روز جهانی کارگر، شعارهایی نیز علیه سیاست‌های اقتصادی دولت سر دادند. به نوشته‌ی منابع خبری، این تجمع اعتراضی که از ساعت یک بعد از ظهر شروع شده بود، بعد از یک ساعت با حمله‌ی نیروهای انتظامی به خشونت کشیده شد و شماری از تجمع‌کنندگان مجروح و بازداشت شدند.

هم‌چنین روز شنبه، یازدهم اردیبهشت، کارگران شرکت اتوبوس‌رانی و مینی‌بوس‌رانی اصفهان به همراه کارگران کارخانه‌ی ماشین‌سازی سپاهان در مبارکه‌ی اصفهان در گرامی‌داشت

شخصی‌ها بوده است. بانه: به گزارش شورای زنان این شهر، روز جمعه دهم اردیبهشت ماه، مراسم باشکوهی در گرامی‌داشت روز جهانی کارگر با حضور ده‌ها فعال کارگری و خانواده‌هاشان در شهر بانه برگزار گردید.

این مراسم با خواندن سرود انترناسیونال آغاز و بعد از یک دقیقه سکوت به احترام جان‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم، قطع‌نامه‌ی اول ماه می ۸۹ تشکیل‌های کارگری در ایران قرائت گردید و مورد تأیید حاضرین قرار گرفت. هم‌چنین درباره‌ی تاریخچه‌ی روز جهانی کارگر، جنبش سندیکایی و اتحادیه‌ای در ایران، و نیز شرایط کار زنان کارگر سخن‌رانی‌های متعددی ایراد شد. در این مراسم، نامه‌ی فرزند کمانگر خطاب به معلمان هم قرائت گشت.

سقز: روز جمعه دهم اردیبهشت، جمع کثیری از زنان و مردان کارگر، روز جشن هم‌بستگی جهانی خود را در سقز گرامی داشتند. به گزارش «کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری»، مراسم بزرگ‌داشت روز جهانی کارگر توسط جمع کثیری از مردم سقز در کوه «جاقل» این شهر برگزار شد. در جریان این مراسم، ابتدا برای احترام به جان‌باختگان راه آزادی طبقه‌ی کارگر یک دقیقه سکوت اعلام گردید و سپس یک قطعه شعر قرائت شد.

محمود صالحی، فعال شناخته‌شده‌ی جنبش کارگری، در مورد روز جهانی کارگر سخنانی ایراد کرد و به دنبال آن یک مقاله توسط یکی از حضار خوانده شد. مراسم با ارائه‌ی مطلبی از طرف یکی از دانش‌جویان شرکت



ترکیه

روز جهانی کارگر تجمع اعتراضی بر پا داشتند. در این تجمع، کارگران معترض خواستار رسیدگی به مشکلات و تحقق مطالبات خود شدند. در واکنش به این حرکت اعتراضی، نیروی سرکوب گر، صف کارگران را آماج یورش خود قرار دادند.

قزوین: هزاران نفر از کارگران قزوین برای گرامی داشت روز جهانی کارگر در اول ماه می تجمع کردند و علیه اخراج کارگران و سایر مشکلات کارگری دست به اعتراض زدند. از حوالی ساعت ۸ صبح، هزاران نفر از کارگران قزوین در ورزشگاه «یادگار امام» تجمع کرده و روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. نمایندگان کارگران طی سخنرانی‌های خود خواستار پایان دادن به قراردادهای موقت و رسمی شدن کارگران، حق بیمه و سایر مشکلات کارگری شدند. کارگران شعارهایی علیه شرایط فاجعه بار کارگران نیز سر دادند.

از صبح این روز، نیروهای سرکوب گر در نقاط مختلف شهر قزوین مستقر شده بودند. آن‌ها با خودروهای خود در سطح شهر گشت می زدند و رعب و وحشت ایجاد می کردند. حضور نیروها سرکوب گر در سطح شهر، بی سابقه گزارش شده است. اما به رغم این اقدامات، کارگران قزوین حضوری بسیار گسترده و باشکوه در مراسم جشن هم بستگی جهانی خود داشتند. گفته می شود، تعداد کارگران در مراسم این روز به حدود هشت هزار نفر می رسید.

شیراز: خبرها در شیراز نیز حاکی از آن است، که صدها کارگر این شهر با تجمع در مقابل استانداری فارس و راه پیمایی در خیابان آزادی، ضمن بزرگداشت روز جهانی کارگر، خواستار توجه مسئولان جمهوری اسلامی به مشکلات صنفی و معیشتی خود شدند. تجمع کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی، تاکید داشتند اخراج کارگران، آن‌ها را به «سرنوشت سیاه» دچار می کند.

کارگران شیراز، هم چنین با سر دادن شعارهایی چون «کارگر، روز بیکاریت مبارک» و «تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم»، خواستار حمایت عمومی از خود شدند. یکی از کارگران حاضر در این مراسم گفت، که حدود چند ماه است از مجتمع صنعتی گوشت فارس اخراج شده و هفت ماه است حقوق نگرفته است. این کارگر که نام خود را اعلام نکرد،

تاکید کرد: بیش از دو ماه است، که مجتمع صنعتی گوشت فارس به دلیل خصوصی سازی تعطیل شده و نزدیک به ۱۲۰۰ کارگر این واحد صنعتی از کار بیکار شده اند.

تبریز: در تبریز، با وجود حضور گسترده ی نیروهای امنیتی، صدها تن از کارگران و مردم در مقابل اداره ی کار این شهر واقع در خیابان خمینی دست به تجمع زدند. آن‌ها ضمن گرامی داشت روز جهانی کارگر، به اخراج‌های گسترده، بیکاری و فقر موجود اعتراض کردند.

بندرعباس: در اعتراض به عدم امنیت شغلی و اخراج، بیش از سیصد تن از کارگران شرکت کشتی سازی بندرعباس در مقابل استانداری شهر تجمع کردند. این شرکت تاکنون سی تن از کارگران را اخراج و از چند روز پیش، کارت حضور و غیاب آن‌ها را غیر فعال کرده است. دو هفته قبل از این هم هجده کارگر از همین شرکت اخراج شده بودند. مسئولان شرکت قصد دارند نیمی از نیروهای این شرکت را تعدیل کنند. آن‌ها از کارگران خواسته اند، که پس از اخراج با پیمان کاران قرارداد ببندند. شرکت به ازای هر کارگر ماهانه یک میلیون تومان به پیمان کاران پرداخت می کند و پیمان کاران نیز با کسر ۶۵۰ هزار تومان از این مبلغ، ۳۵۰ هزار تومان به هر کارگر حقوق می دهند. این در حالی است که کارگران این شرکت می گویند: ساخت پنج فروند کشتی در این شرکت آغاز شده و علتی برای تعدیل نیرو وجود ندارد.

.....

در چندین دانش گاه در سطح ایران نیز دانش جویان به مناسبت روز جهانی کارگر دست به تجمع‌های اعتراضی زدند، از جمله در دانش گاه‌های تهران، بروجرد، مشهد، کرمان، آزاد تهران، علم و صنعت، شهرکرد و... در دانش گاه تهران، دانش جویان با سر دادن شعار «کارگر، دانش جو، اتحاد، اتحاد» و شعارهایی چون «یا مرگ یا آزادی» دست به تجمع زدند. واقعه ی قابل توجه دیگر، حضور اعلام نشده ی محمود احمدی نژاد در این دانش گاه بود. او که برای سخنرانی در مراسم گرامی داشت مرتضی مطهری (جمهوری اسلامی، سال هاست تلاش می کند روز دوازدهم اردیبهشت را که در عین حال

روز ترور مرتضی مطهری - از ایدئولوگ های جمهوری اسلامی - است، به عنوان روز معلم جا بزند. به این دانش گاه آمده بود، با واکنش سریع دانش جویان روبرو گردید. دانش جویان از جمله با شعار «دیکتاتور حیا کن، دانش گاه رو رها کن»، به استقبال رییس جمهور اسلامی رفتند و در مقابل تالار ابن سینا دست به تجمع اعتراضی زدند. بر اساس گزارشات، حضور گارد ویژه در اطراف تالار بسیار زیاد بود. ماموران حراست دانش گاه نیز، که تعداد آن‌ها قابل توجه بود، با اتوموبیل های خود تلاش کردند صف دانش جویان را پراکنده کنند، اما موفق به این کار نشدند. نیروهای گارد ویژه، اجازه ی ورود دانش جویان معترض به داخل تالار را نمی دادند و تنها «دانش جویان خاص» (سیجی ها و دیگر عوامل حکومت) اجازه حضور در تالار را می یافتند.

در دانش گاه بروجرد، کارگران در کنار دانش جویان و در مراسم آن‌ها شرکت داشتند. دانش جویان برای ابراز هم بستگی و اتحاد با طبقه ی کارگر و روز جشن هم بستگی جهانی آن، از کارگران برای این مراسم دعوت کرده بودند و با تاکید بر مطالبات کارگران، خواهان رفع تبعیض و ستم بر طبقه ی کارگر - یعنی در واقع بر خانواده های خود - شدند. مطالباتی که دانش جویان بر آن تاکید داشتند، از جمله افزایش دستمزدها و ایجاد اشتغال و امنیت شغلی برای همه و افزایش امکانات رفاهی بود.

دانش جویان دانش گاه فردوسی مشهد در بزرگداشت روز جهانی کارگر، با وجود فضای سنگین سرکوب و کنترل دانش جویان در روز اول ماه می در کلاس های درس شرکت نکرده و کلاس ها را به تعطیلی کشاندند. دانش جویان هم چنین از گرفتن غذا از سلف سرویس دانش گاه نیز امتناع کردند. دانش جویان دانش گاه آزاد شهرکرد و دانش جویان دانش گاه آزاد تهران مرکز در روز جهانی کارگر، و در حمایت و هم بستگی با کارگران، در این روز دست به اعتصاب غذا زدند.

دانش جویان دانش گاه علم و صنعت نیز در بزرگداشت روز جهانی کارگر در سالن غذاخوری دانش گاه تجمع و سرودخوانی کردند. حراست دانش گاه به دانش جویانی که این مراسم را آغاز کرده بودند، حمله کرده و مانع پیوستن سایر دانش جویان به آنان شد. بنا به نوشته ی برخی منابع دانش جویی در اصفهان، ساعت سه بعد از ظهر دهم





روز معلم» بازداشت شده بودند. خواسته‌های جامعه‌ی معلمان در ایران از رفع مشکلات معیشتی بسیار فراتر می‌رود و طیف وسیعی از مطالبات فرهنگی و سیاسی را نیز در بر می‌گیرد. «کانون صنفی معلمان ایران» نه تنها افزایش حقوق و مزایای شغلی معلمان را می‌خواهد، بلکه خواستار به رسمیت شناخته شدن حق برگزاری تجمعات و تشکل‌های صنفی آنان و هم‌چنین تغییراتی در نظام آموزشی ایران (که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی به خرافات مذهبی، تبعین جنسیتی و... آغشته شده و از مبانی آموزش علمی دور است) نیز می‌باشد.

در بیانیه‌ی «شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان»، به مناسبت روز معلم، آمده بود: «از آن جا که برخی ایران را آزادترین کشور جهان خوانده‌اند که در آن آزادی نزدیک به مطلق است، باید به این سؤال پاسخ دهند که چرا دل‌سوزترین و صادق‌ترین معلمان کشور صرفاً به خاطر انتقاد از وضع موجود با احکامی چون اعدام، حبس، تعلیق، اخراج، تبعید، بازخرد، بازنشستگی اجباری، تنزل رتبه‌ی شغلی، محرومیت از تدریس و غیره مواجه می‌شوند.»

### انعکاس بین‌المللی روز جهانی کارگر در ایران

رسانه‌های بین‌المللی اعتراض کارگران در روز اول ماه می در ایران را در سطح نسبتاً وسیعی انعکاس دادند. برای مثال، «نیویورک تایمز»، دوم می ۲۰۱۰، در تحلیلی از روز کارگر در ایران، از جمله نوشت: «... به گفته‌ی شاهدان، روز شنبه در سراسر تهران، در میادین اصلی، که تابستان گذشته مملو از معترضین بود، نیروهای امنیتی با ماسک‌های ضدشورش مستقر شده بودند. هلیکوپترها نیز بر فراز میدان آزادی و خیابان آزادی، که وزارت کار در آن واقع شده و انتظار می‌رفت کارگران در آن جا اجتماع کنند، به پرواز در آمدند.»

یکی از شهروندان تهرانی، که به شرط ناشناس ماندن، سخن می‌گفت، اظهار داشت: «مردان جوان با لباس‌های نظامی در سر هر کوچه‌ای در کنار وانت‌های سیاه و سفید ایستاده بودند. وانت‌های سیاه و سفید معمولاً توسط نیروهای امنیتی برای دستگیری و انتقال معترضان به مراکز بازداشت مورد استفاده قرار می‌گیرد.»

گزارش ادامه می‌دهد: «علاوه بر حضور پلیس، حرکت‌های اخیر دولت در اعدام مخالفان

خود و روی‌آوری به مبارزه علیه سرمایه‌داری را راه‌چاره و غلبه بر مشکلات خود بیابد.

### سرکوب شدید معلمان در مقطع اول ماه می و روز معلم

بنا به گزارش وبلاگ «اتحادیه‌ی معلمان ایران»، این بخش از طبقه‌ی کارگر در ایران، روز معلم متفاوتی را امسال پشت سر گذاشتند. بیش از بیست نفر از معلمان شرکت‌کننده در تجمع معلمان به مناسبت روز معلم بر سر مزار دکتر خانعلی (تاریخچه‌ی روز معلم، دوازدهم اردیبهشت، به اردیبهشت سال ۱۳۴۰ برمی‌گردد. در این سال، در چنین روزی، دکتر خانعلی در جریان اعتصاب و تجمع معلمان در مقابل مجلس شورای ملی کشته شد. ابوالحسن خانعلی هنگام مرگ بیست و نه سال داشت و از سال ۱۳۳۵ در وزارت فرهنگ با سمت دبیری دبیرستان استخدام شده بود.) بازداشت شدند. محمد تقی فلاحی، ایرج جوادی، فرقانی، خانم بادپر حمیدی، رئیس زاده، سوری، شیورانی، ایمان زاده، نتجیبی زینال زاده، عباس عزیزی، نسرین آقازاده، رضا رفعت، مجتبی آذری، رضا حسینی، جواد عظیمی، ملیحه نمازی، محمد علی تابش و لیلا محبی از جمله بازداشت‌شدگان بودند.

جمهوری اسلامی برای جلوگیری از مراسم روز معلم، روز یک‌شنبه دوازدهم اردیبهشت، علی‌اکبر باغانی و محمد بهشتی لنگرودی، دبیرکل و سخن‌گوی کانون صنفی معلمان، را به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات احضار و سپس آن‌ها را بازداشت کرد. این دو در پاییز سال گذشته نیز به همراه ده تن دیگر از اعضای این کانون به خاطر «گرامی‌داشت

اردیبهشت، صدها دانش‌جوی اصفهانی در حمایت از کارگران معترض در مقابل درب اصلی دانشگاه اصفهان تجمع کردند و شعارهایی در دفاع از حقوق کارگران سر دادند. به گفته‌ی شاهدان عینی، جمعیت زیادی از مردم عادی نیز با پیوستن به دانش‌جویان تجمع‌کننده و سر دادن شعار «کارگر، دانش‌جو، اتحاد اتحاد»، به حمایت از کارگران پرداختند. این تجمع نیز با حمله نیروهای انتظامی به خشونت کشیده شد.

### فودکشی در روز جهانی کارگر

در حالی که روز جهانی کارگر، روز طرح مطالبات کارگران و جزیی از تلاش مستمر طبقه‌ی کارگر جهانی برای پایان دادن به شرایط ستم و استثمار و بهبود زندگی کارگران است، در ایران، متأسفانه دو کارگر جان به لب رسیده از فقر و نکبت ناشی از سیستم سرمایه‌داری و حکومت اسلامی، دست به خودکشی زدند.

به نوشته‌ی منابع خبری رسمی، عصر روز شنبه یازدهم اردیبهشت، یک کارگر به نشانه‌ی اعتراض به فقر و فلاکت در مقابل دانشگاه تهران خود را به آتش کشید. هم‌چنین در این روز، یک کارگر راننده در خط «سید خندان» تهران به دلیل فشار خردکننده‌ی شرایط اقتصادی و بدهی کلان دست به خودکشی زد.

باشد که شاهد هم‌بستگی و اتحاد مبارزاتی کارگران در تشکل‌های طبقاتی آنان، به عنوان عامل موثر مبارزات پیروزمند کارگری علیه ستم و استثمار سرمایه‌داری باشیم. و کارگر به جای ناامیدی و استیصال و دست زدن به خودکشی، اتحاد با برادران و خواهران طبقاتی

سیاسی ممکن است ترس معترضان بالقوه را بیش‌تر کرده باشد. دادگاه عالی کشور، هفته‌ی گذشته حکم اعدام دو تن را تایید کرد، در حالی که دادگاه‌های رده‌ی پایین‌تر، مجازات اعدام برای یازده نفر از تظاهرکنندگان صادر کرده‌اند. بسیاری از تظاهرکنندگان خیابانی هنوز در زندان هستند و گزارشاتی از شکنجه‌ی آن‌ها نیز منتشر شده است...

کارگران گفته بودند روز شنبه تظاهرات خواهند کرد، در حالی که معلمان نیز گفتند روز یک‌شنبه، روز معلم، تظاهراتی بر پا می‌کنند. معلمان و کارگران معمولاً روز اول ماه مه، مصادف با روز جهانی کارگر، تظاهرات مشترکی جدا از اصلاح طلبان انجام می‌دهند.

«لوموند» نیز در گزارشی در رابطه با اول ماه می در ایران، نوشت: «... اما نگاهی دقیق‌تر نشان می‌دهد، که این روز بر خلاف دیگر نقاط جهان برای کارگران ایران با شادی همراه نبوده است. از آغاز سال جدید در ایران بیش از پنجاه درصد از پروانه‌های کار کارگران لغو شده است. در این میان، نهاد دولتی موسوم به شورای اسلامی کار اعلام کرده است که میزان شکایات کارگران بیش از هفتاد درصد افزایش یافته؛ و در تهران و شهرهای بزرگ ایران، بیش از چهل درصد به تعداد کارگران بیکار افزوده شده است.»

روزنامه‌ی «لوموند» در پایان نوشته است: «در روز جهانی کارگر، جمعیت چند صد نفری تظاهرکنندگانی که در برابر ساختمان وزارت کار در تهران اجتماع کرده بودند، توسط نیروهای امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و دست‌کم پنج نفر دستگیر شدند.»

## تجمع خانواده‌های دستگیرشدگان (روز کارگر، در مقابل زندان اوین)

در تجمعات و راه‌پیمایی روز جهانی کارگر در تهران، دست‌کم سی نفر دستگیر شدند. خانواده‌های دستگیر شدگان، صبح روز دوشنبه سیزدهم اردیبهشت، در مقابل زندان اوین تجمع کردند و خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط عزیزان خود شدند. این در حالی است، که فرماندهی نیروی انتظامی تهران در یک‌شنبه شب مدعی شده بود، که در روز جهانی کارگر هیچ «موردی» در تهران اتفاق نیفتاده و کسی نیز دستگیر نشده است.

بنا به گزارش فعالان حقوق بشر و دموکراسی در ایران، در این روز، تعداد زیادی از

خانواده‌های دستگیر شدگان روز جهانی کارگر مقابل زندان اوین تجمع کردند و خواستار آزادی عزیزانشان شدند. این تجمع از ساعت ۹ صبح آغاز و تا پایان وقت اداری ادامه داشت. خانواده‌ها، در مقابل ساختمانی که بازپرسان امنیتی در آن مستقر هستند، تجمع کرده بودند. درب این محل بر روی خانواده‌ها بسته بود و کسی جواب‌گوی آن‌ها نبود.

برخوردها و رفتار ننگهبانان بازپرسان امنیتی با خانواده‌ها توهین‌آمیز و غیرانسانی بود. به دلیل رفتارهای غیرانسانی ننگهبانان بازپرسان امنیتی در چند مورد بین خانواده‌ها و آن‌ها درگیری لفظی روی داد. پاسدارهای مستقر در آن جا به طرز توهین‌آمیزی خطاب به خانواده‌ها می‌گفتند: اگر از این جا دور نشوید، شما را پایین می‌ریزیم.

برخی دستگیرشدگان در اثر تلاش‌های خانواده‌ها آزاد شدند.

به گفته‌ی شاهدان، تنها در یکی از نقاط خیابان آزادی، دوازده نفر از زنان و مردان شرکت‌کننده در مراسم روز جهانی کارگر، دستگیر و مستقیماً به زندان اوین منتقل شده بودند.

## جمع بندی

اول ماه می ۱۳۸۹، به رغم هر نقطه ضعفی، اما نشان داد که وزن کارگر و کمونیسم در جامعه‌ی ایران سنگین است و این نیروی طبقاتی اگر بر موانع و مشکلات خود به ویژه در عرصه‌ی شکل‌یابی طبقاتی غلبه کند، قادر است در راس مبارزه‌ی توده‌ی مردم جان به لب رسیده و آزادی‌خواه، بساط جمهوری جنایت‌کار اسلامی و نظام سرمایه‌داری را برچیند. اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های نه تنها سردمداران جمهوری اسلامی در مورد اهمیت و ارزش کارگران، بلکه اپوزیسیون بورژوازی آن از میر حسین موسوی و کروبی گرفته تا رضا پهلوی و...، خود نشان دهنده‌ی آن است که چگونه همه‌ی این جریان‌ها ضد کارگری تلاش می‌کنند با تعریف و تمجید از طبقه‌ی کارگر و فریب کارگران، آن‌ها را به نیروی مدافع خود و حفظ حکومت ننگین خویش یا سریدن به تخت حکومت بدل کنند. اما طبقه‌ی کارگر، به رغم تمامی این تلاش‌های مذبوحانه، نشان داده به چنان حدی از آگاهی طبقاتی رسیده است، که دیگر فریب این حاکمین ضد کارگری و اپوزیسیون به همان اندازه ضد کارگری آن‌ها را نمی‌خورد و دست از مبارزه‌ی خود علیه ستم و استثمار سرمایه‌داری - و نیروهای رنگارنگ مدافع این

نظام - نمی‌کشد. یک وجه مهم مراسم اول ماه می امسال، در واقع، همین صفا‌آرایی و طرح مطالبات مستقل طبقاتی کارگران بود، که به ویژه در شرایط تحولات سیاسی یک‌ساله‌ی اخیر در ایران و تلاشی که با حمایت دولت‌ها و رسانه‌های بورژوازی بین‌المللی برای مطرح کردن رهبری بخشی از بورژوازی ایران بر اعتراض میلیونی مردم صورت می‌گیرد، به روشنی نشان داد کارگران به رغم این گونه تلاش‌ها فقط به فکر منافع طبقاتی خود - و آتیه‌ی بهتر فرزندان خویش - هستند و به نیرو و سیاهی لشکر این یا آن جناح سرمایه‌داری بدل نمی‌شوند.

هر چند در اول ماه می امسال، ده تشکل و نهاد کارگری به فعالیت مشترک و صدور قطع‌نامه‌ی سراسری اقدام کردند و این قطع‌نامه به درست بر برخی از مهم‌ترین مطالبات طبقاتی کارگران انگشت‌گذارند، اما هم‌چنان درک نادرست و غیر طبقاتی از بافت طبقه‌ی کارگر در این قطع‌نامه به چشم می‌خورد. در بند دوازده قطع‌نامه آمده است: «ما ضمن اعلام حمایت قاطعانه از مطالبات معلمان، پرستاران و سایر اقشار زحمت‌کش جامعه، خود را متحد آنان می‌دانیم و خواهان تحقق فوری مطالبات آنان هستیم.» معنای صریح این بند قطع‌نامه، آن است که از نظر تشکل‌ها و نهادهای مزبور، معلمان، پرستاران و سایر اقشار زحمت‌کش جامعه، جزئی از بدنه‌ی طبقه‌ی کارگر محسوب نمی‌شوند؛ بلکه صرفاً «زحمت‌کشانی» هستند، که متحد طبقه‌ی کارگر می‌باشند و به همین خاطر، قطع‌نامه از مطالبات آنان حمایت می‌کند. این نظر نادرست و غیر طبقاتی، که توسط گرایش‌های بورژوازی در طبقه‌ی کارگر رسوخ کرده است، فقط به کار شقه شقه کردن طبقه‌ی کارگر و جلوگیری از مبارزه‌ی متحد و سراسری کارگران علیه سرمایه‌داری می‌خورد و از این حیث، برای طبقه‌ی کارگر چون سم مهلک است. معلمان، پرستاران، روزنامه‌نگاران، و همه‌ی آن‌هایی که جز فروش نیروی کار فکری و یدی خود، چیزی برای امرار معاش و گذران زندگی خویش ندارند، کارگر و جزء جدایی‌ناپذیر طبقه‌ی کارگر هستند.

فراموش نکنیم، که همین «زحمت‌کشان» تا مدتی پیش «خرده بورژوازی» خوانده می‌شدند و هم اکنون نیز جریان‌های بورژوازی آن‌ها را «طبقه‌ی متوسط» می‌خوانند، که گویا نیروی اصلی پیش برنده‌ی اعتراضات و



مبارزات مردمی دوره‌ی اخیر هستند. برگزاری مراسم جداگانه‌ی روز جهانی کارگر و روز معلم، آن هم به فاصله‌ی یک روز، هر چند که در حمایت از یکدیگر بیانیه و اطلاعیه هم داده می‌شود، خود نمونه‌ای از این جداسازی‌ها در طبقه‌ی کارگر است، که بعضاً از هر دو طرف صورت می‌گیرد. در حالی که مطالبات معلمان - و هم‌چنین سایر «زحمت‌کشان» - حتا آن جا که این مطالبات جنبه‌ی ویژه‌ی فرهنگی و آموزشی هم به خود می‌گیرد، جزئی از خواسته‌های اکثریت عظیم جامعه است؛ که معلمان - و سایر «زحمت‌کشان» - را نیز در بر می‌گیرد و آن طبقه‌ی کارگر است.

واقعیت بسیار روشن، آن است که نه تنها مهم‌ترین و اساسی‌ترین مشکلات و مطالبات کارگر فکری و یدی، کارگر صنعتی و خدماتی، کارگر معلم و روزنامه‌نگار، و... کم‌ترین تفاوتی با هم ندارند، بلکه راه چاره‌ی این مشکلات و تحقق این مطالبات هم فقط از یک کانال می‌گذرد: از کانال تشکلیابی سراسری و طبقاتی کل این کارگران علیه سرمایه‌داری! این وظیفه‌ی کارگران کمونیست است، که با تلاش‌های مداوم خود این نظرات نادرست و غیر طبقاتی را از صفوف طبقه‌ی

کارگر بزادیند، بر جدایی‌های آزار دهنده‌ی طبقه‌ی کارگر غلبه کنند، تا کارگران بتوانند به صورت یک تن یک پارچه و متحد مبارزه علیه سرمایه‌داری را به پیش ببرند.

\*\*\*

### ضمائم:

بیانیه‌ی رسمی شماره‌ی یک «شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، سال ۸۹»

کارگران، معلمان، دانش‌جویان، پرستاران، مزدبگیران

زنان و مردان و عموم مردم آزادی‌خواه روز جهانی کارگر، یازده اردیبهشت برابر با اول ماه مه، در امسال، روز تلفیق خواسته‌ها و مطالبات دموکراتیک و آزادی‌خواهانه با

مطالبات اقتصادی و سیاسی همه‌ی ماست. بدون گره خوردن مطالبات اقتصادی ما از طریق قدرت طبقاتی و متشکل ما، با خواسته‌های آزادی‌خواهانه و دموکراتیک، اعتراضات ما تنها و تنها تبدیل به ابزاری برای به قدرت رسیدن گروه و جناحی دیگر از جناح‌های سرمایه‌داری خواهد شد. برابری اقتصادی و برابری اجتماعی - سیاسی بدون یکدیگر از مفهوم تهی خواهد شد. امسال در روز جهانی کارگر، ما بر علیه فقر، نابرابری، سطح پایین دست‌مزدها، حقوق‌های معوقه، عدم امنیت شغلی، حذف سوبسیدها (طرح هدف‌مند کردن یارانه‌ها)، سرکوب‌های سیاسی و اجتماعی و در یک کلام، سرکوب کرامت انسانی خود به اعتراض بر خواهیم خواست.



در روز جهانی کارگر سال ۱۳۸۹ (شنبه یازده اردیبهشت)، مهم‌ترین خواسته‌ها و مطالبات عمومی مردم و به ویژه مطالبات کارگری زیر (که خلاصه‌ی مطالبات و از عمده‌ترین خواسته‌های کارگری می‌باشند)، در شعارها و خواسته‌های ما و در همه جا مطرح خواهد شد و تلاش ما کارگران بر این خواهد بود که نه تنها در مراسم این روز، بلکه پس از آن و در هر جا و هر زمان و بیش از پیش برای تحقق این خواسته‌ها دست به مبارزات خستگی‌ناپذیر بزنیم.

۱- ما خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی (اعم از زندانیان کارگری و معلمان، دانش‌جویان، زنان، فعالین حقوق کودک، روزنامه‌نگاران) و تمامی زندانیان عقیده و بیان و کلیه زندانیان حوادث اخیر هستیم. اعتراض و آزادی بیان

جزو حقوق ابتدایی و مسلم مردم است. تمامی احکام قضایی صادره برای فعالین سیاسی - اجتماعی و کارگری باید لغو و تعقیب قضایی علیه آنان متوقف گردد.

۲- آزادی تشکلی‌های مستقل طبقاتی، آزادی انجمن‌ها، تحزب، اعتراض و اعتصاب، آزادی مطبوعات و آزادی بیان و اندیشه، حق مسلم انسانی ماست. ما برای کسب این حقوق و مطالبات دست از مبارزه بر نخواهیم داشت.

۳- تعیین حداقل دست‌مزد ۳۰۳ هزار تومان اعلام شده توسط شورای عالی کار، در حالی که خط فقر اعلام شده توسط برخی نهادهای رسمی حاکمیت ۹۰۰ هزار تومان است، نشان از عطش بی پایان نظام سرمایه‌داری برای استثمار هر چه بیش‌تر کارگران و مزدبگیران و کسب سود هر چه بیش‌تر است. ما خواهان اعلام

حداقل دست‌مزد توسط نمایندگان مستقل کارگری و تشکلی‌های مستقل آنان و بر اساس حداقل‌های یک زندگی شرافت‌مندانه و انسانی هستیم.

۴- ما در مقابل طرح ضدانسانی، سودمحورانه و وحشیانه‌ی حذف سوبسیدها (هدف‌مند کردن یارانه‌ها) که چیزی جز خوش‌خدمتی به منافع سرمایه‌داری داخلی و جهانی نیست، دست از اعتراض و اعتصاب برنخواهیم داشت و عموم مردم را به اعتراضات گسترده علیه هر درجه از اعمال این اقدام ضد‌مردمی دعوت می‌نماییم.

۵- ما ضمن تاکید بر لزوم تامین تمامی بازنشستگان برای داشتن یک زندگی انسانی و شرافت‌مندانه، خواهان برچیده شدن قوانین بردگی مدرن و روش‌های آن از جمله قراردادهای سفید امضا و قراردادهای موقت هستیم.

۶- ما خواهان برخورداری تمامی افراد جامعه از آموزش، بهداشت و خدمات عمومی رایگان هستیم.

۷- ما جنبش‌های اجتماعی دیگر مانند جنبش زنان، جنبش حقوق کودک و جنبش دانش‌جویی را متحد خود می‌دانیم و هر گونه تعرض به آنان را تعرض به جنبش کارگری و تجاوز به کرامت انسانی اکثریت افراد اجتماع

می‌دانیم.

۸- ما ضمن حمایت از کارگران مهاجر در ایران، از جمله مهاجرین افغان، خود را در صف مبارزه‌ی جهانی طبقه‌ی کارگر می‌بینیم و از مطالبات و خواسته‌های تمامی کارگران جهان حمایت می‌کنیم. هم‌چنین ما خواستار آن هستیم که روز اول ماه مه، تعطیلی رسمی اعلام شود و هر گونه ممنوعیت اجرای مراسم در این روز ملغی گردد.

زنده باد هم‌بستگی جهانی طبقه‌ی کارگر  
پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۸۹  
«شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر،  
سال ۸۹»

\*\*\*

بیانیه‌ی رسمی شماره‌ی دو شورای...

## روز جهانی کارگر، ملقه‌ی مفقوده‌ی مبارزات

کارگران و مردم مبارز و آزادی‌خواه! از دور جدید اعتراضات مردم ایران علیه ستم‌گری، نابرابری، دیکتاتوری، سرکوب، فقر، فساد، جهل، کشتار، حبس، تبعید و اقدامات ضدانسانی حاکمیت سرمایه‌داری در ایران، حدود یازده ماه می‌گذرد. مبارزاتی که بهانه‌ی اعتراض به نتایج انتخابات، آغازگاه زمانی آن بود، ولی ریشه در عمر حاکمیت موجود ایران داشت. حاکمیتی که از ابتدای فرمان‌فرمایی خود با سرکوب آزادی‌ها و مطالبات اقتصادی-سیاسی عموم مردم و کارگران و نیروهای کارگری و سوسیالیست و سایر نیروهای مبارز آغاز کرد و بر بنیاد این سرکوب‌ها به غارت حاصل دست‌رنج مردم و کسب سود و به بند کشیدن آزادی‌های به دست آمده از مبارزات منتهی به قیام ۵۷ پرداخت.

اعتراض به نتایج انتخابات به زودی در میان بسیاری از معترضین تبدیل به نفی کلیت نظام و پیدایش زمینه‌ای برای نقد و بازنگری و دقت در هر دو جناح درون حکومت شد. بسیاری به درستی و به سرعت در فضای ایجاد شده علیه دیکتاتوری، حکومت دینی، فقر و نابرابری و شرایط غیرانسانی تحمیل شده بر مردم شعار دادند. اصلاح‌طلبان حکومتی، سراسیمه این اقدامات را «ساختار شکنانه» خواندند و خواستار بازگشت به

قانون اساسی و اندیشه‌های «امام» شدند. اما واقعیت این است، که منافع و مطالبات اکثریت مردم از خواسته‌ها و موجودیت اصلاح‌طلبان و نیز رقیب آنان در جناح اصول‌گرا، جداست و حتا در مقابل آن قرار دارد.

درس‌های اتفاقات نه تنها یک ساله‌ی اخیر، بلکه سی سال حاکمیت جمهوری اسلامی و تجارب قیام ۵۷، باید برای همیشه به ما بیاموزد که مطالبات اقتصادی-اجتماعی-سیاسی ما با توهم به این یا آن جناح سرمایه‌داری - چه از نوع اسلامی و برآمده از حوزه‌های علمیه و چه بیرون آمده از مکاتب اقتصادی نولیبرالی آمریکا و غرب- به دست نمی‌آید.

ما نمی‌توانیم و نباید چشم به فرود هیچ هواپیمایی و فرود اختاپوس گونه‌ی هیچ رهبری با هر لباس و شعار و فریب و ادعایی باشیم. نگاه ما باید به سازمان‌دهی از پایین و توسط خود مردم و بر اساس مطالبات اقتصادی-سیاسی-اجتماعی خودمان باشد. این است درس بزرگی، که باید از تجارب گذشته و حال‌مان پیش روی خود قرار دهیم!

روز جهانی کارگر و پیام نهفته در آن، کلید حل معمای ماست. اکثریت مردم جامعه، مزدبگیران و حقوق‌بگیران و فروشندگان نیروی کار - کارگران- هستند و هم اینان هستند که - چه با کار فکری و چه کار بدنی و یدی- تولیدکنندگان تمامی ثروت‌های مادی و معنوی جامعه‌اند. کدام دموکراسی عالی و کامل تر از این خواهد بود، که اکثریتی که همه‌ی نعمات مادی و معنوی را تولید می‌کنند، قدرت راه‌بری جامعه را در دست داشته باشند؟

سرمایه‌ی سرمایه‌داران از دل هیچ غار معجزه‌ای بیرون نروده است. بدون نیروی کار، هیچ سرمایه‌ای به سرمایه افزوده نمی‌شود و حیات و هستی جامعه در سرمایه‌داری و دولت‌های سرمایه‌داری - چه اسلامی و چه لیبرالی و چه پادشاهی- در این است که بتوانند این نظام سیاسی-اقتصادی مسلط بر جامعه را با چنگ و دندان حفظ کنند، تا مبادا بنیاد این مناسبات استثمارگرانه درهم بریزد. کارکرد تمام نیروهای پلیسی و امنیتی و قضایی و جنگ افروزی‌ها، همه و همه برای حفظ نظام سرمایه‌داری و بهره‌کشی حاصل از آن و جلوگیری از اتحاد و سازمان‌یابی طبقه‌ی کارگر است.

چنانچه اقلیت و اصناف مختلف کارگری - چه فکری و چه یدی- آگاهانه و متحدانه

تشکل‌های مستقل طبقاتی خود را ایجاد کنند و در پیوند و هماهنگی با یک‌دیگر در جامعه - و در سطح جهان- برای کسب مطالبات دموکراتیک، آزادی‌خواهانه و مطالبات اقتصادی و سیاسی خود با یک‌دیگر متحد شوند، اساس مناسبات استثمارگرانه سرمایه‌داری متلاشی خواهد شد؛ و از سوی دیگر، اکثریت افراد جامعه هم‌زمان با رسیدن به خواسته‌ها و حقوق اقتصادی و سیاسی خود موفق به ایجاد دموکراسی راستین حاکمیت اکثریت شده‌اند.

آری! روز جهانی کارگر، و درس‌هایی که طبقه‌ی کارگر با خون خود به یادگار گذاشته است، یگانه راه نجات جامعه را به ما نشان می‌دهد.

اعتراضات مردمی علیه سرکوب، نابرابری، فقر و ستم‌گری باید به قدرت‌گیری خود مردم منتهی شود. تنها با ایجاد تشکل‌های مستقل طبقاتی است، که حاصل رنج‌ها و مبارزات مردمی منجر به قدرت‌گیری جناحی دیگر با رنگ و لعابی دیگر از سرمایه‌داری نمی‌شود. تنها ضامن ایجاد و تثبیت دموکراسی و آزادی، قدرت و عرض اندام تشکل‌های مستقل در اصناف و اقشار مختلف است؛ قدرتی سراسری، متحدانه و سیلاب‌وار که هر گونه دست‌اندازی و تجاوز به مطالبات مردمی را پاسخی در خور دهد.

کارگران کارخانه‌ها، کارگران خدماتی، مزدبگیران شرکت‌ها و سازمان‌ها، پرستاران، معلمان، دانش‌جویان باید هر چه زودتر دست به ایجاد تشکل‌های مستقل کاری و عموم مردم اقدام به ایجاد شوراهای محله‌ای خود بکنند؛ قدرتی که در اتحاد این تشکل‌هاست، تیری است که هم‌زمان دو نشانه را هدف‌گیری می‌کند:

۱- حاکمیت استثمارگرانه و ظالمانه‌ی حاضر را برمی‌اندازد؛

و ۲- اجازه‌ی قدرت‌گیری کلاه‌بردارانه‌ی حاکمیتی دیگر را نمی‌دهد و بلکه قدرت سازمان‌یافته‌ی مردمی را به عرصه‌ی حاکمیت اجتماعی مسلط خواهد کرد.

روز جهانی کارگر در خود در بردارنده‌ی تمام این درس‌ها و راه‌حل‌هاست و سالیان سال است، که کارگران با بلند کردن پرچم سرخ خود و با جوش و خروش در گستره‌ی اکثریت مردم گُره‌ی زمین، معنای بلند این کلید معما را به بانگ بلند فریاد می‌کشند.

روز جهانی کارگر در سال ۸۹، هم‌زمان شده است با خروش عمومی مردم علیه ظلم



و سرکوب و دیکتاتوری. سال ۸۹ آستان بزرگترین اعتراضات و اعتصابات مردمی و کارگری نیز خواهد بود. حذف سوبسیدها (طرح هدفمند کردن یارانه‌ها)، حذف حداقل توانایی‌های اقتصادی و معیشتی اکثریت مردم است. و درآمد حاصل از حذف یارانه‌ها، برای تحکیم قدری‌ها و نظامی‌گری‌های حاکمیت و بازپرداخت‌های وام‌های ننگین بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول هزینه خواهد شد.

وام‌هایی که برای سرمایه‌داران هزینه شده، باعث تقویت قدرت اقتصادی نیروهای سرکوب‌گر نظامی از جمله سپاه و بسیج شده، منجر به افزایش فاصله‌ی طبقاتی شده، عده‌ی قلبی را فربه و فربه‌تر نموده است و اکنون بازپرداخت آن را نیز از جیب مردمی که فقیرتر شده‌اند، انجام می‌دهند!! از هم اکنون نشانه‌های اعتراضات عملی مردم به این طرح خانمان برانداز، با نپرداختن هزینه‌های آب و برق و گاز و... آغاز شده است.

از سویی در سال ۸۹، حداقل دست‌مزد تعیین شده از سوی شورای عالی کار برای کارگران رقم ۳۰۳ هزار تومان در ماه اعلام شده است، که این رقم حدود یک سوم خط فقر اعلام شده توسط منابع رسمی حکومتی است! شورای عالی کار مرکب از نماینده‌ی کارفرمایان (که دنبال تعیین کم‌ترین مقدار دست‌مزد هستند)، نماینده‌ی دولت (که حامی سرمایه‌داران است و خود کارفرمایی عمده محسوب می‌شود) و نماینده‌ی خانه‌ی کارگر و شورای اسلامی کار (که نهادی ضدکارگری و دست‌ساخته‌ی حکومت است)، می‌باشد. در این شورا، حتا اگر به جای شورای اسلامی کار، نماینده‌ی مستقل کارگری شرکت کند، در برابر دو رای از دولت و کارفرما بازنده است.

در واقع، در این سیستم (سه جانبه‌گرایی)، کارگر حتا فرصتی برای قیمت گذاشتن بر کالایی که می‌فروشد (یعنی نیروی کارش) ندارد!!! در حالی که دست‌مزد باید توسط تشکل‌های مستقل کارگری اعلام گردد.

در این شرایط، مردم و کارگران به جان آمده را به «کار مضاعف» نیز دعوت می‌کنند! کارگرانی که دیگر نای کار کردن در ساعات متمادی و کارهای اضافه بر شغل خود را ندارند و با این همه کار و زحمت از پس خرج به خور و نمیر خانواده‌شان بر نمی‌آیند.

در اقدامی دیگر برای حمله به حداقل آزادی‌های مردم، و برای ایجاد رعب و وحشت و تسلط روانی بر جامعه، با طرح به

اصطلاح «امنیت اجتماعی» بر روح و روان مردم خراش می‌زنند! در حالی که ما باور داریم، آزادی پوشش و روابط انسان‌ها در جامعه از جمله اصول اولیه و حداقلی زندگی انسانی است.

بهترین و کامل‌ترین عکس‌العمل اساسی و همیشگی به این گونه دست اندازی‌ها و تجاوزات به جان و مال و اندک نان موجود در سفره‌ی مردم، اعتراض‌های سازمان یافته از طریق تشکل‌های خودساخته‌ی مردمی و کارگری امکان‌پذیر است. در میان جنبش کارگری - و در مقطع سالیان اخیر - مدت‌هاست که در میان کارگران، این اقدامات برای ایجاد تشکل‌های مستقل طبقاتی آغاز شده است. از همین روست، که حاکمیت سرمایه‌داری اسلامی ایران، فعالین کارگری و تشکل‌های کارگری مستقل را مورد تهاجم و سرکوب قرار داده است. کارگران زندانی بسیاری از جمله محمود صالحی (در سقز) ابراهیم مددی، منصور اصائلو (از سندیکای کارگران شرکت واحد) و دیگر هم‌کارانشان، علی‌نجاتی و دیگر هم‌کارانش (در سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه)، فعالین کارگری بسیار و فعالین کارگری در صنف معلمان و... همه و همه در این سال‌ها مورد خشم حاکمیت کارگر ستیز سرمایه‌داری اسلامی قرار گرفته‌اند. اما این جنبش را سر باز ایستادن نیست.

از همین رو و بنا به دلایل ذکر شده در روز جهانی کارگر سال ۸۹ (شنبه، یازده اردیبهشت)، مهم‌ترین خواسته‌ها و مطالبات عمومی مردم و به ویژه مطالبات کارگری زیر (که خلاصه‌ی مطالبات و از عمده‌ترین خواسته‌های کارگری می‌باشند)، در شعارها

و خواسته‌های ما و در همه جا مطرح خواهد شد و تلاش ما کارگران بر این خواهد بود، که نه تنها در مراسم‌های این روز، بلکه پس از آن و در هر جا و هر زمان و بیش از پیش برای تحقق این خواسته‌ها، دست به مبارزات خستگی‌ناپذیر بزنیم.

(ادامه: توضیح همان مطالباتی، که در بیانیه‌ی اول آمده بود).

زنده باد هم‌بستگی جهانی طبقه‌ی کارگر  
«شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر،  
سال ۸۹»

\*\*\*

### قطع‌نامه‌ی مشترک روز جهانی کارگر

اول ماه مه روز هم‌بستگی بین‌المللی طبقه‌ی کارگر و روز اعتراض جهانی کارگران به فقر و فلاکت و نابرابری است. در این روز میلیون‌ها کارگر در سراسر جهان دست از کار می‌کشند، خیابان‌ها را به تسخیر خود در می‌آورند و با اعلام خشم و انزجار از مصائب بی‌شماری که نظام سرمایه‌داری بر بشریت تحمیل کرده است، رهایی از ستم و استثمار و بر پایی دنیایی بهتر را فریاد می‌زنند.

طنین اعتراض به مشقات نظام سرمایه‌داری و برابری خواهی کارگران در اقصی نقاط جهان، در حالی در روز اول ماه مه پهنه‌ی گیتی را در بر می‌گیرد، که علاوه بر ممنوعیت برگزاری مراسم این روز در ایران، هم اکنون بسیاری از کارگران برگزارکننده‌ی مراسم اول ماه مه سال ۸۸ یا به زندان محکوم شده‌اند و یا در معرض صدور احکام سنگین قضایی قرار دارند و ده‌ها تن از فعالین و رهبران کارگری به جرم



برپایی تشکل‌های کارگری و دفاع از حقوق انسانی‌شان در زندان‌ها به سر می‌برند.

تحمیل چنین ابعاد وحشت‌ناکی از بی‌حقوقی اجتماعی بر کارگران ایران، در شرایطی است که سیستم سرمایه‌داری ایران پس از گذشت سه دهه از انقلاب بهمن ۵۷، دست مزد کارگران را به یک چهارم مبلغ زیر خط فقر تقلیل داده و با عدم پرداخت به موقع این دست‌مزدها و اخراج و بیکارسازی توده‌های عظیمی از کارگران و رواج قراردادهای موقت و سفید امضا، شرایط به غایت جهنمی را بر میلیون‌ها خانواده کارگری تحمیل کرده است و امروزه برای تضمین بیش از پیش سودآوری سرمایه با به تعطیلی کشاندن کارخانه‌ها و طرح قطع یارانه‌ها، درصدد است تا آخرین لقمه‌ها برای زنده ماندن میلیون‌ها خانواده‌ی کارگری را از سفره‌ی آنان به جیب صاحبان سرمایه سرازیر سازد.

اما همان گونه که ما کارگران ایران در انقلاب بهمن ۵۷ و سال‌های اخیر نشان دادیم، تاب تحمل این همه فلاکت و بی‌حقوقی را نخواهیم آورد و علی‌رغم زندان و سرکوب، پیشاپیش عموم مردم ایران، در مقابل لگدمال شدن بدیهی‌ترین حقوق انسانی خود ایستادگی خواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد بیش از این حق حیات و هستی ما را به تباهی بکشانند. ما تولیدکنندگان اصلی تمامی ثروت‌ها و نعمات موجود در جامعه هستیم و داشتن یک زندگی انسانی مطابق با بالاترین استانداردهای زندگی بشر امروز را حق مسلم خود و عموم توده‌های مردم ایران می‌دانیم. در این راستا، ما ضمن اعتراض به وضعیت موجود، که از روز جهانی کارگر سال گذشته به این سو کارگران و عموم توده‌های مردم ایران را بیش از پیش در معرض سرکوب و تحمیل بی‌حقوقی قرار داده است، بر تحقق مطالبات زیر پای می‌فشاریم و خواهان تحقق فوری و بی‌قید شرط همه‌ی آن‌ها هستیم:

۱- برپایی تشکل‌های مستقل از دولت و کارفرما، اعتصاب، اعتراض، راه‌پیمایی، تجمع و آزادی بیان حق مسلم ما است و این خواسته‌ها باید بدون قید و شرط به عنوان حقوق خدشه‌ناپذیر اجتماعی کارگران و عموم مردم ایران به رسمیت شناخته شوند.

۲- ما طرح قطع یارانه‌ها (هدف‌مند کردن یارانه‌ها) و حداقل دست‌مزد ۳۰۳ هزار تومانی را تحمیل مرگ‌تدریجی بر میلیون‌ها خانواده‌ی کارگری می‌دانیم و خواهان توقف فوری طرح قطع یارانه‌ها و افزایش حداقل

دست‌مزدها به یک میلیون تومان هستیم. ۳- دست‌مزدهای معوقه‌ی کارگران باید فوراً و بی‌هیچ عذر و بهانه‌ای پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستی به مثابه یک جرم قابل تعقیب قضایی تلقی گردد و خسارت ناشی از آن به کارگران پرداخت گردد.

۴- اخراج و بیکارسازی کارگران به هر بهانه‌ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده‌اند و آماده به کار هستند، باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه‌ی بیکاری متناسب با یک زندگی انسانی برخوردار شوند.

۵- ما خواهان محو قراردادهای موقت و سفید امضا، تامین امنیت شغلی کارگران و تمامی مزدبگیران، رعایت بالاترین استانداردهای بهداشت و ایمنی کار و برچیده شدن تمامی نهادهای دست‌ساز دولتی از محیط‌های کار هستیم.

۶- ما خواهان لغو مجازات اعدام و آزادی فوری و بی‌قید و شرط «ابراهیم مددی، منصور اسالو، علی نجاتی» و کلیه‌ی فعالین کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی و اعتراضی از زندان و توقف پیگردهای قضایی علیه آنان هستیم.

۷- ما ضمن محکوم کردن هر گونه تعرض به اعتراضات کارگری و اعتراضات مردمی، اعتراض به هر گونه بی‌حقوقی و ابراز عقیده را حق مسلم و خدشه‌ناپذیر کارگران و عموم مردم می‌دانیم.

۸- ما خواهان لغو کلیه‌ی قوانین تبعیض‌آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل و بی‌قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی هستیم.

۹- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه‌ی اقتصادی و رفع هر گونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره‌مندی آنان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی هستیم.

۱۰- کار کودکان باید محو گردد و تمامی کودکان باید جدا از موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین، نوع جنسیت و وابستگی‌های ملی، نژادی و مذهبی، از امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی یک سان و رایگانی برخوردار شوند.

۱۱- ما بدین وسیله پشتیبانی خود را از تمامی جنبش‌های اجتماعی آزادی‌خواهانه اعلام می‌داریم و دستگیری، محاکمه و به زندان افکندن فعالین این جنبش‌ها را قویا

محکوم می‌کنیم.

۱۲- ما ضمن اعلام حمایت قاطعانه از مطالبات معلمان، پرستاران و سایر اقشار زحمت‌کش جامعه، خود را متحد آنان می‌دانیم و خواهان تحقق فوری مطالبات آنان هستیم.

۱۳- ما بخشی از کارگران جهان هستیم و اخراج و تحمیل هر گونه تبعیض بر کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیت‌ها را به هر بهانه‌ای محکوم می‌کنیم.

۱۴- ما ضمن قدردانی از تمامی حمایت‌های بین‌المللی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته‌های کارگران در سراسر جهان، خود را متحد آنان می‌دانیم و بیش از هر زمان دیگری بر هم‌بستگی بین‌المللی کارگران برای رهایی از مشقات نظام سرمایه‌داری تاکید می‌ورزیم.

۱۵- اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد.

زنده باد اول ماه مه

زنده باد هم‌بستگی بین‌المللی کارگران

یازدهم اردیبهشت ۱۳۸۹ - اول می ۲۰۱۰

- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه

- سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

- اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران

- هیات بازگشایی سندیکای فلزکار و مکانیک

- هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش

- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

- کمیته‌ی پیگیری ایجاد تشکل‌های آزاد

کارگری

- کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد

تشکل‌های کارگری

- انجمن دفاع از کارگران اخراجی و بیکار

سقز

- شورای زنان

